

## بررسی تاثیر اشعار شیخ حرّ عاملی بر گسترش مذهب تشیع ورشد و شکوفایی فرهنگ اسلامی

پریوش ملکی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ایران

### چکیده

شیخ محمدابن حسن حر عاملی از شاعرا و بزرگان قرن یازدهم می باشد که در جبل عامل لبنان به دنیا آمد و با تسلطی که بر علوم مختلف داشت و با زبان عربی توانست اشعاری بسیار زیبا در وصف پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) جایگاه ممتازی را در بین عربی نویسان عربی سرایان روزگار به دست آورد به گونه ای که اشعار ارزنده واژ روی ذوق و قریحه شاعرانه وی توانست جایگاه را در بین عربی سرایان روزگار کسب نماید.

شیخ حر عاملی را باید از شاعران و دانشمندان بزرگ شیعه خواند، زیرا قله فقاہت او باران حکمت و شعرش را تحت الشعاع قرار داده است: واقعیت این است که شیخ حر عاملی با وجود آنکه می توانست خود را در زمرة ای شاعران و ادبیان قرار دهد اما او ادبیات را وسیله ای برای رسیدن به هدف که همان انتشار علوم اهل بیت(ع) است می دانست و در دوراهی انتخاب شعر و غوطه ور شدن در کلام نورانی ائمه(ع) مسیر دوم را انتخاب کرد؛ همان گونه که خود در شعری به همین مطلب اشاره می کند و می گوید:

علمی و شعری إقتتلا و إصطلاحاً فتحَضَ الشِّعْرُ لِعِلْمٍ راغِمًا  
والعلمُ يأنِي أَعْذَ شاعرًا و الشِّعْرُ يرْضِيَ انْ أَعْذَ عَالَمًا

وی علاوه بر تخصص در علوم مختلف و توانمندی های فراوان در زمینه های مختلف ادبی و فقاہت، شاعری توانا و قصیده سرایی برجسته بوده است و دیوان اشعار ایشان یکی از نسخه های خطی بالریزش و نفیس به زبان عربی است که به طور عمدی بر مدح و ثنای پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و رثای آنان میپردازد. از این رودراین تحقیق کوشیده شده است تا جایگاه اشعار شیخ حر عاملی در گسترش مذهب تشیع مشخص و با بررسی ابیات، نقش و جایگاه این اشعار در رشد و شکوفایی تمدن و فرهنگ اسلامی مشخص گردد.

**کلمات کلیدی:** شیخ حر عاملی، جبل عامل، دیوان، مدح اهل بیت(ع)

**مقدمه**

شیخ حرم عاملی از برجسته‌ترین علمای شیعه در قرن یازدهم هجری به شمار می‌آید. او یکی از چهره‌های بزرگی است که مذهب شیعه را با روایات اهل بیت(ع) بیش از پیش غنی ساخت و دارای تألفاتی ارزشمند و شخصیتی مورد احترام نزد علمای شیعه است. سید علی خان مدنی درباره وی می‌گوید:

«شیخ محمد بن حسن بن علی بن محمد حرم شامی عاملی، شخصیتی برجسته و دارای مقام و منزلتی علمی است که سخن، در معرفی آن ناتوان است. فوائد ارزشمند نوشته هایش تمام جهان را فراگرفته و همچون ابر بارانی تمام سرزمین‌ها را از قطرات حیات بخش بارانش سیراب ساخته است. تألفات او بر پیشانی روزگار همچون مروارید می‌درخشند و کلماتش در میان سطرها همچون گوهرهایی گران بها و کنار هم چیده شده است.» (مدنی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۹).

محمد بن علی اردبیلی با عبارات عظیم و والایی، شیخ حرم را این گونه می‌ستاند که فضائل و مناقبش قابل شمارش نیست. (اردبیلی، ۱۹۸۳، ۱، ص ۶۹)

محمد قمی درباره او می‌نویسد:

محمد بن حسن بن علی مشغیری، شیخ محدثان و با فضیلت‌ترین متبحران عالم، فقیه هوشیار، محدث پارسا، ثقه جلیل القدر و سرچشمۀ بزرگواری‌ها و فضیلت‌ها و دارای تألفات سودمندی است. (قمی، ۱۳۶۸، ۱۷۶)

علامه امینی در الغدیر درباره وی می‌گوید:

او مرواریدی بر تاج زمان و نقطه‌ای درخشناد بر پیشانی فضیلت است. هرگاه در پی شناخت ایشان برآیی ایشان را آگاه به هر فنی خواهی یافت. جملات مدح و ستایش در معرفی او ناتوان اند. گویا او تندیس علم و دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است. از آثار او نگارش احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام در اثبات امامت و نشر فضایل و جمع آوری احکام و حکمت‌ها و مدح و ستایش آنان است و تألفات ارزشمندش باد او را جاودان ساخته است. (امینی، ۱۴۳۳، ص ۳۳۶).

**۱- جایگاه اشعار شیخ حرم عاملی در گسترش فرهنگ اسلامی**

شیخ حرم را باید از شاعران و دانشمندان بزرگ شیعه خواند، زیرا اشعار زیبای او توanst نقش بسیار مهم و اساسی در گسترش مذهب تشیع ایفانماید؛ به گونه‌ای که اگر کسی خویش را به دایره‌ی ادبیات و هنرشن نزدیک سازد و به جستجو در کتب غیرروایی او بپردازد شمیم دل انگیز ذوق ادبی، معنوی و ولایی او را حس خواهد کرد.

اما با این انتخاب و در نور دیدن سیر نورانی حدیث در مناسبت‌های مختلف به سروdon شعر می‌پرداخت، به طوری که او از مددود فقه‌ها و علمای بزرگ شیعه است که دارای دیوان شعر است و این تنها نشانه‌های بزرگی و عظمت اوست که امروزه از بزرگ‌ترین شاعران شیعه به شمار می‌رود که دیوان بزرگ شعری از او به یادگار مانده است.

دیوان شعرش به بیست هزار بیت می‌رسد که به ترتیب حروف الفباء منظم گشته و با این جمله‌ی زیبای (الحمد لله الذي جعل نجوم المعانى المصباح الافكار) - ستایش خدا را که ستارگان معانی را چراغ آسمان اندیشه قرار داد - شروع می‌شود. (آقابزرگ تهرانی، ۱۲۹۳: ج ۹، ص ۲۳۴)

شیخ حرم شاعر است و از ذوق شعری بالایی برخوردار است اما شعرش را تنها در خدمت اهل بیت عصمت و طهارت و آنانی که در مسیر عترت گام بر می‌دارند سروده است. او در قسمتی از قصیده‌ای بسیار طولانی در رثای اهل بیت این چنین می‌سراید:

وَمَدِحَى لَآلِ بَيْتِ الرَّبِّ  
هُمْ بُدُورُ التَّقِىِ شَمْوَسُ الْمَعَانِى  
أَشْرَفُ الْخَلْقِ حَجَّةُ الرَّحْمَنِ  
(حر عاملی، بی‌تا: ص ۱۱)

«مدیحه سرایی در رثای اهل بیت پیامبر(ص) مرا از ستودن دیگران بازداشته است. هم ایشان هستند ماههای پرهیزگار، خورشیدهای شرافت و گرامی‌ترین خلابیق و حجت پرورده‌گار.» (همان: ص ۱۱)

عشق و علاقه‌ی شیخ به اهل بیت(ع) حد و مرزی نمی‌شناسد او هزاران بیت شعر را تقدیم خاک پای اهل بیت(ع) می‌کند و خود را فدای آنان می‌سازد؛ تا جایی که در قصیده‌ای طولانی دیگر این عشق را چنین در قالب شعر می‌گنجاند:

أَنَا أَفْدِي عِشْرَأْ مَعَ إِثْنَيْنِ مَعَ أَنْ  
لِمُوسَى وَ عِدْدَ نَقْبَائِي  
بَعْدَ الْإِسْبَاطِ مَعَ بُرُوجِ السَّمَاءِ  
عَدَدُ الْأَعْيُنِ اللَّوَاتِي تَفَجَّرَنَ  
وَأَفْقُو عِدْدُ حَوَارِي عَيْسَى

«من به فدای دوازده نفر شوم اگرچه تمام مردم فدای من شوند. دوازده نفر به عدد چشمه‌هایی که برای حضرت موسی شکافته شده به شمار نقیبان عدد موافق حواریین عیسی، پس از اینکه به عدد اسیاط و برج‌های آسمانند.» (همان: ج ۳، ص ۲۶۱) با تمام همه عزت و عظمت، شیخ خود را به‌گونه‌ای دیگر معرفی می‌کند، آزاد شده‌ی اهل بیت و غلام عترت که هیچ‌گاه نمی‌خواهد از بند این خاندان آزاد شود و می‌خواند:

شَرْفُونِي بِالْعِتقِ عُدْتُ رَقِيقًا  
أَلْفُ عَنْقٍ مَا صِرْتُ يَوْمًا عَتِيقًا  
أَنَا حُرٌّ عَبْدٌ لَهُمْ فَلَوْ أَعْتَقْنَوْنِي  
(همان: ج ۳، ص ۲۷۰)

«اگرچه نام من حر است یعنی آزاد، ولی من عبد و بندۀ اهل بیتم و اگر آنان مرا ثروتمند سازند و هزار بار آزاد کنند باز هم به بندگی آنان باز خواهم گشت.»

شیخ حر در جایی دیگر می‌گوید:

أَنَا الْحُرُّ لَكُنْ بِرُّهُمْ سَرَفِقٌ  
وَبِالِّبِرِّ وَالإِحْسَانِ لَتَعْبُدُ الْحَرَّ<sup>۱</sup>

من حرم (آزاده ام) ولی نیکی آنان (الائمه) مرا عبد می‌کند و به واسطه‌ی نیکی آنان حر عبد و بندۀ می‌شود.

شیخ اوح تواضع خود را در پیشگاه اهل بیت (ع) در این مصرع از مدح امیر المؤمنین به نمایش می‌گذارد، که نه تنها او عبد و بندۀ علی (ع) است بلکه بندۀ ی بندۀ ی اوست.

وَإِنِّي لَهُ عَبْدٌ وَعَبْدٌ لِعَبْدِهِ  
و حاشاهُ أَنْ يَنْسَى غَدًّا عَبْدَهُ الْحَرَّ<sup>۲</sup>

من بندۀ او (علی‌علیه‌السلام) و بندۀ ی بندۀ ی اویم – حاشا که فردای قیامت انسان آزاده بندۀ اش را فراموش کند. حر، مهر و محبت اهل بیت (علی‌السلام) را گردنبندی می‌خواند که بر گردن اوست و بر این گردنبند که حلقه نخست آن وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) و آخرش ولی عصر (عج) است افتخار می‌کند.

فَأَكَرِيمٌ يَعْقِدُ خَاتِمَ الرُّسُلِ اُولَى  
لَهُ وَهُوَ مَنْ تَدْرِي وَآخِرُهُ الْمَهْدِي  
وَفَضْلُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَزِينُهُ  
وَجَعْفُرُ السَّاتِمِيُّ الْكَمَالُ عَنِ الْغَدَّ  
وَمِنْ بَعْدِهِ زِينُ الْعَابِدِينَ مُحَمَّدٌ  
وَمُوسَى اَمَامِيُّ وَالرَّاضِيُّ وَمُحَمَّدٌ  
وَمِنْ بَعْدِ ذِي الْعَسْكَرِيِّ وَنَجْلَهُ<sup>۳</sup>

چه نیکو قلاده و گردنبندی است که اولش خاتم پیامبران است و او کسی است که می‌دانی و آخرش مهدی است.

و فضل و بخشش امیر المؤمنین (ع) زینت بخش آن گردن بند و در سبط رسول خدا (ص) گوهر زیبای میانه آند. و بعد از زین العابدین محمد است و جعفر کمالش از شماره برتر است.

و موسی امام من است و رضا و محمد و پس از ی هادی (راهنمای) طریقه و روشهای مستقیم و بعد از آن عسگری و فرزندش ، شرفی یافتند. که برتر از رسم و حد (اقسام تعریف) است.

همچنین شیخ حر در شعری دیگر ملجا و پناهگاه خود را اهل بیت می‌داند و می‌گوید:

«هُمْ مَلَا ذَى وَهُمْ مَلْجَائِي هُمْ مَعَاذِي  
لِمَعَادِي وَخَيْرُ ذُخْرٍ مَعَدٌ<sup>۴</sup>

ایشان ملجا و پناهگاه من برای معاد و بهترین اندوخته‌ی هستند که در تهیه شده است.

او در شعری دیگر سرزمین هایی که پیکر آسمانی امامان در آن قرار دارد و رنگ آسمانی به خود گرفته است بهترین سرزمین ها و آنان را کشتی نجات می‌خواند و می‌گوید:

بِطَيْبَةٍ وَبِطْوَسَ وَالْغَرَى وَسَا مَرَأَةٍ  
وَالظَّفَرُ أَوْ زَوْرَاءَ بَغْدَادَ  
وَالْقَلْبُ إِلَى حَيْثُ يَهُوِي خَيْرُ مَرْتَادٍ  
لَمْ نَخْشَ مِنْ لُجْهٍ تَطْغَى وَلَا وَادٍ<sup>۵</sup>  
بِحُورٍ عَلِمٍ رَكِبَنَا فِي سَفِينَتَهَا

<sup>۱</sup> - همان، ص ۲۷۰

<sup>۲</sup> - سمع البلابل، ج ۱، ص ۱۰

<sup>۳</sup> - روایت آزادی، ص ۱۰۸

<sup>۴</sup> - همان، ص ۲۶۵

<sup>۵</sup> - پیشین، ص ۲۶۴

به مدینه و طوس و نجف و سامرا و کربلا و زوراء که بغداد است.  
دل من اقامت گزیده و علاقمند شده و شفاعت‌شان را طالب است و دل من به هر کجا تمايل کند بهترین مطلوب است.  
دریاهای دانشی که بر کشتی آنها نشسته ایم و از طغیان آب دریا و دره ها نمی ترسیم.  
ساز شعر شیخ همانگ و هم آهنگ سوز اوست و لحظاتی که کاغذ را جولانگه شعر خود می سازد بهترین لحظات زندگی بر شمرده و می گوید :

لِئِنْ طَابَ لِي ذَكْرُ الْجَبَابِ أَنَّنِي أَرَى مَدْحَ أَهْلَ الْبَيْتِ أَحْلَى وَ أَطْيَابًا<sup>۶</sup>  
اَغْرِيَ يَادَ دُوْسْتَانَ لَذْتَ بِخَشْ اَسْتَ بِرَأْيِيْ منْ مَدْحَ اَهْلَ بَيْتِ شَيْرِينَ تَرَوْ لَذْتَ بِخَشْ تَرَ اَسْتَ:  
وَ حَمَانِيْ مِنْ أَطْيَابِ الْعَيْشِ وَ الْلَّهُوْ مَدْبِحُ مَنِّيْ لَآلِ الرَّسُولِ<sup>۷</sup>  
مَدْبِحَه سَرَايِيْ مِنْ دَرَبَارَه آلِ رَسُولِ مَرْفَهَ وَ خَوْشَغَدَرَانِيْ بازَ دَاشْتَه اَسْتَ .

## ۲- ویژگی های شعر شیخ حر عاملی

باتوجه به آنچه بیان شد می توان دریافت که شیخ حر عاملی از ذوق شعری بالایی برخوردار بود. او اشعار فراوانی در مدح و ستایش اهل بیت سروده است و دیوانی دارد که شامل ۲۰۰۰۰ بیت شعر است.  
از ویژگی های شعر او طولانی بودن آن است. او قصیده ای در مدح پیامبر(ص) و اهل بیت آن حضرت دارد که بیش از ۱۰۰ بیت است و قصیده ای دیگر شامل معجزات و فضائل پیامبر و اهل بیت آن حضرت است و شامل ۴۰۰ بیت می باشد.  
او در شیوه های شعری نیز از مهارت خاصی برخوردار بوده است. مثلا ۲۹ قصیده در مدح اهل بیت دارد که مجموعه ایات هر قصیده را با یکی از حروف الفبا قافیه داده است و در قصیده ای دیگر چهار طرف هر بیت را با یک کلمه آورده و در قصیده ای تمام ایات را بدون الف آورده است.

## ۳- نتیجه گیری

باتوجه به آنچه بیان شد و تحلیل و بررسی شخصیت ادبی شیخ حر عاملی ویافته های کتب ارزشمندش درباب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می توان دریافت که وی در صدد گسترش مکتب تشیع بوده و با توانایی های خاصی که در علوم مختلف داشته است این را به خوبی در آثار خود نمایان کرده است تاجایی که بسیاری از فصل بندی های کتب و رسالات خود را محور دوازد و چهارده فصل بنانهاده است. همچنین شیخ حر عاملی در میان اشعاری که در مدح اهل بیت (ع) سروده است احادیث و روایات اهل بیت (ع) را در اشعار خود به صورت صنعت تلمیح به کار گرفته است.

وی علاوه بر مدح و توصیف شخصیت و کرامات ائمه معصومین (ع) به وصف شمشیر (ذوالفقار) و دلاوری های حضرت علی (ع) در صحنه کارزار نیز پرداخته است. بنابراین اعتقاد قلبی و محبت زیاد اونسبت به ائمه باعث شده که نقش وافری در گسترش مذهب تشیع داشته باشد

<sup>۶</sup>- إثبات الهداء، ص ۲۷۱

<sup>۷</sup>- همان، ص ۲۷۱

منابع و مراجع